

افشار و دیگر هیچ

عبدالجلیل بینش

"دو برادرم در افشار به قتل رسیده است. یک برادرم یک ماه قبل از قتل عام افشار زمانیکه می خواست یک طفل همسایه را که زخمی شده بود به شفاخانه انتقال دهد در جوار مقبره شهید اسماعل بلخی به اثر فیرهای گلوله از کافر کوه به قتل رسید و دیگرش در روز قتل عام افشار شهید شد. تا زنده ام به قتل رسیدن این برادران بی گناهم از یادم هرگز نخواهد رفت. ما هیچ وقت قاتلین آن را نمی بخشیم. پارلمان اگر می خواهد خون برادرانم را عفو کند، خیانت کرده است و من هیچ وقت آن را نمی پزیرم." خان محمد (نام مستعار) 22 دلو 1385، قریه افشار.

چهارده سال قبل در 22 دلو 1371 در قریه افشار کابل، یکی از دلخراش ترین جنایت های بشری بوقوع پیوست. ساکنین این قریه که تعداد شان به هزاران نفر می رسید، به قتل رسیدند، اسیر شدند و یا زخمی شدند و تعدادی اندکی شان هم از این قتل عام سر به سلامت بردند. هیچ خانه ای در این قریه باقی نماند که تبدیل به ویرانه نشده باشد و اموال و دارایی شان به غارت نرفته باشد و کمتر فاملی را می توان در این قریه سراغ گرفت که عضو و یا اعضای خانواده اش را در این قتل عام از دست نداده است و یا مدتی را به اسارت سپری نکرده باشد. به عفت صدها زن این قریه تجاوز صورت گرفت و صدها زن و طفل دیگر به طور وحشیانه ای آماج گلوله ها قرار گرفتند و یا با برچه های تفنگ ذبح شدند و زیر خاک و آوار گردیدند. بنا به گفته ای یکی از کسانیکه عضو تیم بررسی خسارات افشار بوده است، تنها لیست تفصیلی بیشتر از هشت صد نفر مفقود شده را با وجود محدودیت های امنیتی که آن زمان موجود بود، تهیه کردند و خساره مالی آن را نیز اضافه تر از صدها ملیارد افغانی برآورد نموده بودند.

سخن گفتن از افشار سخن گفتن از وحشیانه ترین جنایت انسانی است که کمتر جای دنیا و کمتر جوامع انسانی آن را تجربه کرده است و در تاریخ افغانستان حجم و وحشیانه بودن این فاجعه در هیچ مرحله از تاریخ این کشور، نظیر ندارد. افغانستان در طول تاریخ خود فجایع، قتل عام ها و جنایت های ضد بشری زیادی را شاهد بوده است و تنها در سه دهه اخیر این کشور قتل عام های هرات، یکاولنگ، مزار، بامیان و به آتش کشیده شدن خانه ها و تاکستان های شمالی و... بوقوع پیوسته است اما هیچ یکی از این فجایع آن سنگینی و گستردگی که در قتل عام افشار دیده می شود، ندارد. چهارده سال از این فاجعه انسانی می گزرده اما امروز نیز میراث ها و قربانیان و دیگر اثرات بجا مانده فاجعه افشار تفاوتی بسیاری با اثرات و میراث های باقی مانده دیگر فجایع بشری در افغانستان دارد.

چنانچه نفس فاجعه افشار از دیگر فجایع انجام شده در افغانستان تراژیک تر است، امروز قربانی ها و وارثین بازمانده این قتل عام نیز مظلوم تر از دیگر قربانیان هستند و فشار و وحشت عاملین این فاجعه هنوز بر شانه های قربانیان و وارثین شهدای افشار سنگینی می کند. محکومیت و نکوهش قتل عام مزار، یکاولنگ و هرات و ویرانی های شمالی نه تنها خیلی آسان است که از طرف حکومت افغانستان و افراد بر سر قدرت مورد ستایش نیز قرار می گیرد. وارثین قتل عام های مزار و یکاولنگ و هرات می توانند مراسمی یاد و بود از شهدای این قتل عام ها برپا کنند و برای قربانی های شان اشک بریزند، نوحه سرایی کنند و بر عاملین آن نفرین بفرستند. در مطبوعات و محافل رسمی دولتی و اجتماعات مردمی هر باری که سخن از طالبان و جنایت های طالبان و یا کمونست ها است، از قتل عام مزار، بامیان، یکاولنگ و ویرانی شمالی به عنوان نمونه های جنایت آنها نیز سخن به میان می آید. اما عاملین قتل عام افشار طالبان نیستند و رژیم کمونستی نیز نیست تا آزادانه و با حمایت گروه های برسر قدرت که مخالفین آنها هستند، بر عاملین آن نفرین فرستاد و یا حد اقل بخاطر ادعان به رنجها و جنایت های که برای قربانیان این قتل عام تحمیل شده است، با خیال آرام لب گشایی. عاملین افشار کسانی است که برای حکومت منتخب و دموکراتیک فعلی افغانستان، تصمیم می گیرند، در پارلمان افغانستان قانون معافیت خود را به تصویب می رسانند و مردم را مکلف به

تقدیر از خود می سازد و مطبوعات را به جبر وادار به رعایت آن قانون می نماید. وارثین قتل عام افشار حتی فرصت یاد و بود از شهدای افشار را ندارند تا محفلی تدبیر کنند و برای تراژیدی های افشار بگیریند. به زبان آوردن نام عاملین قتل عام افشار و تجلیل از شهدای افشار، خطرات و نگرانی های امنیتی جدی را در پی دارد. تجلیل نشدن سالروز قتل عام افشار در چند سال بعد از طالبان و تذکر نیافتن حتی یک کلمه در باره قتل عام افشار در طول این چند سال در مطبوعات افغانستان، همه بیانگر نگرانی های امنیتی و ترس از عاملین آن، است.

از وارثین شهدا در یکاوانگ دلجویی ها صورت گرفت و کمک های مالی و اعانه ها نقدی از طرف موسسات غیر حکومتی در اختیار قربانیان قرار گرفت. برای خانه های سوخته و تاکستانهای خاکستر شده شمالی و بامیان، مواد ساختمانی و کمک های نقدی داده شد تا حد اقل اگر تمام خانه ها و باغهای شان را ساخته نمی توانند، چند اطاق محدودی را بسازند و به عنوان سرپناه موقتی از آن استفاده کنند، ملیونها دالر دیگر توسط موسسات خیره، تاجران ملی و حکومت افغانستان برای کاریزها، چاه های آب، تخم های اصلاح شده، سیستم های آبیاری، اعمار شفاخانه ها، مکاتب، سرکها و ده ها نوع کمک دیگر، در این مناطق به مصرف رسید و خوشبختانه فعلا اثرات کمتر ویرانی و جنایت ها را در این مناطق می توان یافت. پروژه بلند منزل های که از خیرخانه آغاز گردیده است در حال وصل شدن به شمالی است و این شهرک ها و بلند منزلها بزرگترین دست آوردهای باز سازی و نوسازی افغانستان بعد از طالبان به شمار می رود. اما ویرانه های افشار هنوز ویران ترین ویرانه های بازمانده جنایتهای گذشته افغانستان به حساب می آید. کوچه های افشار تا به حال پوشیده از تل ها و آورهای خاک است و با اولین نگاه به افشار خاطرات جنایت ها برایت زنده می شود و هیچ نشانه از بهبودی و تغییر به چشم نمی خورد و مصرف شدن ملیاردها دالر کمک های بلاعوض جامعه جهانی به افغانستان قصه افسانه ای می ماند. هیچ قریه ی در کابل و هیچ جای دیگر افغانستان فعلا نمی توان یافت که زخمی تر از افشار باشد و فراموش شده تر از افشار باشد، خانه ها و دیوارهای افشار همچنان مثل سال 1371 به خاک یکسان است، هیچ نما و نمادی از آبادی و بازسازی در این قریه به چشم نمی خورد. در حالیکه نزدیک به شش سال از بازسازی افغانستان می گذرد و بلند منزل های شیشه پوش و آسمان خراش شهرنو و خیرخانه بطور فزاینده ای رو به افزایش است اما بسیاری از ساکنین افشار هنوز در قریه های همجوار آن در خوشحال خان، دشت برچی و قلعه شهاده به عنوان مهاجر زندگی می نمایند.

در چهاردهمین سالروز قتل عام افشار، آخرین آرزوهای قربانیان و وارثین این فاجعه نیز بر باد رفت و امیدهای شان به یاس تبدیل شد و برای همیشه عقده های شان در گلوی های شان خفه گردید. پارلمان افغانستان در آستانه سالروز قتل عام افشار، منشور معافیت را تصویب کردند و حق بازجویی از عاملین قتل عام افشار و تطبیق شدن عدالت را، برای همیشه از قربانیان افشار سلب نمود. خون هزاران انسان قربانی و ملیاردها افغانی خساره مالی و تجاوز به عفت صدها زن افشار را با منشور 12 ماده ی، برای ابد با روپوش قانون و به عنوان نماینده های مردم، به طاق فراموشی گذاشتند.